

فولکلور، ضرب‌المثل‌های ایرانیان و میل به توسعه

فریبا کرمی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سیف‌اله سیف‌اللهی

استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Seifollahi@seif.ir

مهرداد نوابخش

استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش: این تحقیق سعی در تحلیل جامعه‌شناختی مولفه‌های فرهنگی، بطور خاص محتوای مثل‌های کتاب امثال و حکم دهخدا و نقش این مثل‌ها در توسعه نیافتگی ایران دارد.

روش پژوهش: تحلیل محتوای کیفی و روش مطالعه میدانی.

جامعه آماری: ۵۰ هزار ضرب‌المثل از کتاب امثال و حکم دهخدا و ۴۰ نفر از کسانی که آگاهی نسبتاً خوبی به مثل‌ها داشتند.

روش انجام پژوهش: تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌ها توسط ۳ کدگذار متخصص و مصاحبه با افراد.

یافته‌ها: محقق با تحلیل محتوای بیش از پنجاه هزار مثل در روش تحلیل محتوای کیفی به این نتیجه رسید که ۲۵۱۰ مثل حاوی مفاهیم توسعه‌ای هستند که از این تعداد ۸۹۴ مثل (۳۵٪) حاوی مفاهیم همسو با توسعه و ۱۶۱۶ مثل (۶۵٪) حاوی مفاهیم غیرهمسو با توسعه بودند. بعلاوه، با استفاده از روش مطالعه میدانی، از مصاحبه با ۴۰ نفر از کسانی که آگاهی نسبتاً خوبی به مثل‌ها داشتند، ۲۷۶ مثل حاوی مفاهیم توسعه‌ای بدست آمد که از این تعداد ۶۴ مثل (۲۳٪) حاوی مفاهیم همسو با توسعه و ۲۱۲ مثل (۷۷٪) حاوی مفاهیم غیرهمسو با توسعه بودند.

نتیجه‌گیری: این تحقیق در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از مثل‌های مورد مطالعه مفاهیمی همچون تقدیرگرایی، فقدان نوآوری، مرگ، زن ستیزی، قناعت و... را ترویج می‌کند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، ضرب‌المثل، توسعه، فولکلور، ادبیات عامیانه.

مقدمه

ما فرهنگ را بستری می‌دانیم که باورها و ساختارهای اجتماعی ما را شکل می‌دهد. به همین دلیل رویکرد مثبت یا منفی نسبت به پدیده‌های پیرامون از جمله توسعه، می‌تواند ناشی از این باورها باشد. باورهای موجود در هر جامعه، بیانگر نوع نگرش و طرز تلقی افراد جامعه نسبت به الگوها و مولفه‌های پیشرفت، دگرگونی و توسعه است. از درون فرهنگ موجود در جامعه، ادبیاتی خاص و منحصر به فرد شکل گرفته که به نام فرهنگ عامه شناخته می‌شود. از بهترین گونه‌های موجود فرهنگ عامه می‌توان به مثل‌ها اشاره کرد. مثل‌ها زیرمجموعه فرهنگ مردم و یکی از عناصر مهم هویت‌ساز به شمار می‌روند و به دلیل اهمیتی که در انعکاس فرهنگ مردم وجود دارد، مقوله‌ای بسیار مهم در هویت فردی و اجتماعی تلقی می‌شود. پدیده‌های فرهنگی هم‌چون مثل‌ها می‌تواند باورها و آرمان‌های یک جامعه را در خویش انعکاس بخشد. مثل‌ها برای شناخت لایه‌های فرهنگی جوامع بسیار اهمیت دارند، چرا که حاصل انباشت تجربه‌های زیسته افراد یک قوم یا ملت هستند. مطالعه مثل‌های هر ملت به خوبی می‌تواند خلیات، عادات خوب و بد، فکر و اندیشه، حساسیت‌ها و یا علایق مردم را نشان دهد. مثل‌ها نشان دهنده الگوهای رفتاری بهنجار و نابهنجار، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی یک جامعه هستند. مثل‌ها از بطن جامعه بیرون آمده و بیانگر کنش‌های رفتاری و ارزش‌های مورد قبول جامعه‌اند. مثل‌ها تداوم روح سنتی اجتماع در کالبد جامعه جدیدند؛ بنابراین نقش آنها در ارتباط با توسعه بسیار اهمیت دارد. با پذیرش این واقعیت که جوامع در میزان و شدت میل به توسعه با هم متفاوتند و بعضی جوامع دارای نگرش منفی و بعضی دیگر منعطف‌تر و سیال‌تر هستند، این سوال مطرح می‌شود که مثل‌های فارسی که تجلی‌گاه روح و ذهنیت و نگرش اقوام ایرانی هستند، تا چه حد در مقابل توسعه مقاوم و تا چه حد با آن سازگار هستند؟ (لازم به ذکر است که مثل‌های فارسی تنها به قوم فارس تعلق ندارد، بلکه از آنجایی که زبان فارسی همواره زبان رسمی کشور بوده است، می‌تواند آئینه‌ای از فرهنگ سایر اقوام نیز باشد).

در قرن حاضر حرکت در جهت توسعه و توسعه یافتگی ذهن همه دولت‌مردان، سیاستمداران، اقتصاددانان و حتی شهروندان عادی جامعه را به خود مشغول کرده است. چرا که توسعه یافتگی یک کشور نه تنها وجهه آن کشور را در جوامع بین‌المللی تعیین می‌کند و قدرت چانه‌زنی را در کارزارهای سیاسی بالا می‌برد، بلکه باعث افزایش سطح رفاه عمومی، امنیت اجتماعی و تحقق حقوق شهروندان یک جامعه می‌شود. به همین دلیل است که اکثر دولت‌ها بی‌وقفه تلاش می‌کنند تا از بند توسعه نیافتگی رها شوند و تبدیل به کشوری توسعه یافته و اصطلاحاً مدرن شوند. اما سوال اینجاست که چرا بعضی کشورها هم‌چون ژاپن، امارات، چین، کانادا، ترکیه و... پس از آگاهی از جایگاه خود در جهت توسعه گام برمی‌دارند و ظرف مدت نسبتاً کوتاهی شرایط خود را بهبود می‌بخشند و اهداف توسعه‌ای خود را دنبال می‌کنند، ولی کشور ثروتمندی هم‌چون ایران که سرشار از منابع طبیعی، معادن زیرزمینی و بعلاوه تمدنی دیرینه است، هنوز نتوانسته به جایگاهی که شایسته این کشور و درخور شخصیت مردمان آن است، دست پیدا کند؟

توسعه یک جامعه می‌تواند متأثر از عوامل متفاوتی از جمله عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و یا عوامل فرهنگی باشد. شکست اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی جوامع کانون و نیز شکست الگوهای توسعه‌ای در بسیاری از کشورهای پیرامون، اندیشمندان صاحب نظر را بر آن داشت تا به فرهنگ جوامع کشورهای کانون در مقایسه با جوامع کشورهای پیرامون توجه نشان دهند و فرهنگ را عاملی تاثیرگذار قلمداد کنند. بسیاری از یافته‌ها حاکی از این است که فقدان فرهنگ پویا و درون‌زا، در جهت توسعه پایدار یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهای پیرامون است. از این نگاه، عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی کشورها حاصل عقب ماندگی فرهنگی آنهاست. در جوامع هم‌چون ایران که دارای هویت فرهنگی و تمدن دیرینه است، عوامل فرهنگی می‌تواند نقش بسزایی در فرآیند توسعه بازی کند.

ارتباط بین مثل فوق و ویژگی‌های فرهنگی ژاپنیان، ذهن ما را به این سمت هدایت می‌کند که شاید یکی از عوامل توسعه یافتگی آن را بتوان در عوامل فرهنگی و مثل‌های این چنینی بازجست. حال برای مقایسه نگاهی می‌اندازیم به چند مثل فارسی تا ببینیم مثل‌های ما چه ویژگی‌های فرهنگی را ترویج می‌کنند؟

خرت رو برون، چیکار داری به نرخ نون/ گر صبر کنی، ز غوره حلوا سازی/ تدبیر دگر باشد و تقدیر دگر/ خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو/ به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است/ هر که بامش بیش، برفش بیشتر. در اهمیت انجام این تحقیق می‌توان گفت: از آنجایی که درجه رشد و توسعه یافتگی جوامع در دوران معاصر، نشانگر جایگاه ملت‌ها در حوزه تعاملات بین‌المللی است. بدیهی است چنانچه سوگیری جامعه‌ای مغایر با حرکت در جهت توسعه و تحول باشد، در روند سریع و رو به رشد توسعه زوال می‌پذیرد. از این رو شناخت موانع توسعه و عناصر عوامل فرهنگی که می‌توانند بر شدت و ضعف این روند اثر بخشد، حائز اهمیت است. هم‌چنین آشنایی با فرهنگ غیررسمی و اطلاع از رویکرد آن نسبت به توسعه لازم است. به این ترتیب با توجه به مطالعات صورت پذیرفته، ضرورت انجام تحقیق روی مثل‌ها نمایان می‌شود. لذا هدف این تحقیق شناسایی مولفه‌های فرهنگی توسعه در ادبیات عامیانه است، با عنایت به این هدف کلی می‌توان اهداف خرد برآمده از آن را این گونه بیان نمود:

۱- تحلیل محتوای مثل‌های امثال و حکم دهخدا و نقش آن در توسعه نیافتگی ایران.

۲- تحلیل کیفی و مفهوم سازی برای مثل‌های موافق و مخالف توسعه در کتاب امثال و حکم دهخدا.

۳- تحلیل جایگاه مثل‌های مورد مطالعه در جامعه امروزی و نمود آن در باور مردم پس از گذشت حدود ۹۰ سال.

۴- ارائه راهکارهای کاربردی و راهبردی.

تاکنون عوامل متعددی برای توسعه نیافتگی ایران توسط جامعه‌شناسان مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. در این

بعبارت دیگر، نگرش‌های موجود در مثل‌های فارسی تا چه حد توسعه‌گرا هستند و چه رویکردی نسبت به توسعه اتخاذ کرده‌اند؟ این تحقیق در صدد است تا با مطالعه کتاب امثال و حکم دهخدا که با گردآوری حدود ۵۰ هزار مثل جامع‌ترین کتاب مثل‌های فارسی می‌باشد، پاسخ این سوال را بازیابد. علت انتخاب کتاب دهخدا به این دلیل است که امثال و حکم از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌آید. دهخدا یکی از نخستین کسانی است که به فرهنگ عامه توجه داشته است و توانسته جامع‌ترین کتاب امثال و حکم را تدوین نماید.

مثل، سخن کوتاه و مشهوری است که به قصه‌ای عبرت‌آمیز یا گفتاری نکته‌آموز اشاره می‌کند و جای توضیح بیشتر را می‌گیرد. هر قدر تاریخ تمدن ملتی درازتر باشد، بیشتر حادثه در آن پیدا شده و مثل‌های بیشتری در آن وجود دارد. هم‌چنین در زبان فارسی نیز ده‌ها هزار مثل وجود دارد که ممکن است خاص فارسی زبان‌ها باشد و یا از اقوام دیگر وام گرفته شده باشد. مثل‌ها حاوی داستانی از تجربه زیسته گذشتگان است که مبنای عمل آیندگان قرار می‌گیرد و اهمیت شناخت آنها دقیقاً همین جاست. چرا که این مثل‌ها هستند که آینه تمام نمای فرهنگ یک جامعه هستند و رویکرد یک جامعه را نسبت به عوامل گوناگونی هم‌چون توسعه مشخص می‌کنند. برای روشن شدن اهمیت موضوع یک مثل معروف ژاپنی را به عنوان مثال می‌آوریم:

بخاطر میخی، نعلی افتاد/ بخاطر نعلی، اسبی افتاد/ بخاطر اسبی، سواری افتاد/ بخاطر سواری، جنگی شکست خورد/ بخاطر شکستی، کشوری نابود شد/ و همه بخاطر کسی بود که میخ را محکم نکوبیده بود.

برخی صاحب‌نظران معتقدند ویژگی‌های بافت فرهنگی ژاپن از مهم‌ترین عوامل موفقیت‌آمیز در پیمودن راه توسعه بوده است. برخی از این ویژگی‌های فکری و رفتاری عبارتند از: احترام به سلسله مراتب، ترجیح اهداف ملی و گروهی به منافع فردی، تعهد نسبت به کار و تلاش، وفاداری در انجام وظایف شغلی، قانون‌پذیری و توجه به نظم و سازماندهی در کار (سریع القلم، ۱۳۷۶)

مورد می‌توان از عواملی هم‌چون: عدم تحول در شخصیت ایرانی، فقدان ارتباط منطقی بین سه هویت دینی، ایرانی و جهانی، توسعه برون‌زا، وابستگی به سایر قدرتها، عدم به کارگیری از فرهنگ آرمانی اسلامی، بی‌توجهی به توسعه مشارکتی، پذیرش استبداد، تاثیر قصه‌های کودکان، چندپارگی فرهنگی، بی‌اعتمادی، توسعه ناموزون، فقدان همدلی بین مردم و مسئولین و... نام برد. اما مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی با موضوع این رساله صورت نگرفته است و موضوع این مقاله که سعی در تحلیل و تبیین مثل‌ها و نقش آن بر توسعه نیافتگی ایران دارد، کاملاً بکر و نو می‌باشد.

زمینه‌های شکل‌گیری ضرب‌المثل‌ها: جلوه‌های ادبیات عامیانه معمولاً تاریخ مشخصی ندارند، بنابراین نمی‌توان محدوده زمانی را نیز برای این یافته‌های فرهنگی قایل شد. خالقان بی‌نام و نشان این آثار در تاریخ فرهنگ جوامع صرفاً نماینده خرد جمعی نسل خویش بوده‌اند. این مثل‌ها سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده است و زمان دقیق پیدایش آنها مشخص نیست. هم‌چنین در این مطالعه و در دیگر مطالعات در حوزه ادبیات عامیانه هیچ‌گاه به زمان خلق و هم‌چنین خاستگاه ضرب‌المثل‌ها اشاره‌ای نشده است. به عبارت دیگر بی‌زمانی یکی از ویژگی‌های ضرب‌المثل‌هاست. اما با توجه به این که علی‌اکبر دهخدا بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها مبادرت نموده است، می‌توان نتیجه گرفت شاید این مثل‌ها بی‌تاثیر از فرهنگ مردم در زمان قاجاریان نباشند.

در این باب نظرات بسیار است اما نظریه اکثریت تاریخ‌دانان در این جهت است که: «بی‌توجهی ذاتی شاهان قاجار به خصوص آقامحمدخان قاجار (با انتساب خود به خاندانهای مغول) به هویت ایرانی، زبان پارسی و شیوه‌های ایرانی حکمرانی (که با هدایت عناصر ایرانی هم‌چون نظام‌الملکها، خواجه‌نصیرها، جوینیها و کسانی که با پیروی از نظام دیوان‌سالاری ملی ایرانی اندکی از تندخویی‌های مهاجمان ترک و تاتار می‌کاست) بعدها در اوج گرایش‌های ملی در جهان، دست شاهان قاجار را در بسیج مردمی در

چالش‌های بزرگ ملی از این سرمایه بزرگ تهی کرد. تا جایی که مجبور شدند پس از کم‌رنگ شدن جنگجویی قاجارها بر اثر شرایط جدید جهانی به نیروی معنوی روحانیون تکیه نمایند. اوضاع اجتماعی دوره قاجار، علیرغم تمدن و فرهنگ کهنسال و درخشان دیرین خود، تقریباً یک جامعه قرون وسطایی با تعصبات ملی و مذهبی شدید بر روح و فکر اکثریت قریب به اتفاق این جامعه بود، مردم سخت پای‌بند آداب و سنت و رسوم ملی و شعائر مذهبی خود بوده و از هرگونه نفوذ و تاثیر شیوه جدید زندگی و تمدن غرب برکنار مانده بودند. عدم تماس با اروپائیان، تنها به دلیل تقویت مذهب و تظاهر شدید به دینداری و تعصب مذهبی، جامعه ایران را به پایه‌ای رسانید که نه تنها از معاشرت و زندگی با اروپایی دوری می‌جست، بلکه جامعه مسلمان همسایه خود یعنی عثمانی را فقط به خاطر پیروی از طریقه سنت، دشمن خویش می‌پنداشت. اجتماع دوره قاجاریه را می‌توان به دو طبقه تقسیم کرد:

۱- طبقه حاکم، ۲- طبقه محکوم (شمیم، ۱۳۷۹)

چهارچوب مفهومی: ما در این طرح سعی کرده‌ایم میان آراء گوناگون جامعه شناسان، که حاصل طرحی کلی از خصوصیات فرهنگی مانع توسعه است و از خلال تجربه تاریخی توسعه ممالک دیگر بدست آمده، جمعی سازگار فراهم گردانیم. اما در هر حال استخوان‌بندی اصلی آن مبتنی است بر نظریه راجرز^۱ و عناصر خرده فرهنگ دهقانی^۲ که عبارتند از: ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، ۲- فقدان نوآوری، ۳- تقدیرگرایی، ۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ۵- عدم چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آنی، ۶- عدم توجه به اهمیت عنصر زمان، ۷- خانواده‌گرایی، ۸- وابستگی به قدرت دولت، ۹- محلی‌گرایی، ۱۰- فقدان همدلی (راجرز، ۱۹۶۹). البته با توجه به شرایط خاص جامعه ایران این مولفه‌ها کمی بومی‌سازی شده‌اند.

پرسش‌های این تحقیق از قرار زیرند:

۱- مثل‌های فارسی به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی،

مبین و بازتابنده چه تصویری از توسعه هستند؟

استفاده نماییم. چرا که همان‌طور که قبلاً به تشریح بیان شد، چارچوب مفهومی خود را از طریق نظریه‌های موجود و تحقیقات قبلی طرح‌ریزی کردیم. بنابراین قصد داشتیم تا همزمان با مرحله استخراج داده‌ها، کدگذاری انجام دهیم و کلمات را به گزاره‌ها، مفاهیم و در نهایت به مقوله تبدیل نماییم. اما این روند نه یک مرتبه، بلکه سه مرتبه، با کمک دو کارشناس دیگر انجام گرفت تا خطای سوءگیری محقق را کاهش دهد. در آخر با یک بازبینی دقیق‌تر و عمیق‌تر داده‌ها را مرتب نمودیم و بر این اساس نتیجه را گزارش کردیم.

روش مطالعه میدانی^۸: با توجه به هدف تحقیق که سنجش مثل‌های گفتاری رایج در جامعه است، روش مطالعه میدانی برای این منظور مناسب‌تر مینماید. این روش اغلب از طریق مصاحبه و مشاهده انجام می‌پذیرد که در این تحقیق انجام مصاحبه^۹ مناسب‌تر می‌نماید. در تحقیقات اجتماعی، انواع زیادی از مصاحبه وجود دارد. معمول‌ترین مصاحبه‌ها عبارتند از: مصاحبه بی‌ساختار، مصاحبه نیمه ساختاریافته و مصاحبه ساختاریافته (لیچمن، ۲۰۰۶ و پتن، ۱۹۹۰)

ما برای این تحقیق با ۴۰ نفر مصاحبه کردیم و از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده نمودیم.

برای انجام مصاحبه ۳ سوال اصلی را مدنظر قرار دادیم:

۱- آیا به نظر شما مثل‌ها می‌توانند به عنوان یکی از

مولفه‌های توسعه تاثیرگذار واقع شوند؟

۲- اگر جواب شما بله است لطفا مکانیزم و چگونگی

آن را توضیح دهید.

۳- مثل‌هایی که اخیراً از آنها استفاده کرده‌اید یا شنیده‌اید

که مربوط به موضوع این تحقیق می‌باشد، نام ببرید.

جامعه مورد تحقیق

رایج‌ترین نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری

هدفمند نام دارد. در این نمونه‌گیری محقق به طور فعالانه

مفیدترین نمونه را برای پاسخگویی به پرسش تحقیق انتخاب

می‌کند. این نوع نمونه‌گیری می‌تواند توسعه ساختاری از

متغیرها و مفاهیم را در برگیرد. (مارشال، ۱۹۹۸) این روش

۲- مولفه‌های فرهنگی توسعه دارای چه فراوانی در متن

مثل‌های کتاب امثال و حکم دهخدا است؟

۳- آیا رویکرد مثل‌های گفتاری هم مانند مثل‌های

مکتوب است یا در گذر زمان تغییر پذیرفته است؟

فرض‌های تحقیق از قرار زیرند:

۱- با توجه به ساخت سستی جامعه ایران به ویژه در

ارتباط با بسترهای فرهنگی چنین جامعه‌ای، اغلب مثل‌های

فارسی کتاب امثال و حکم دهخدا به سمت حفظ وضع

موجود و تقابل با توسعه می‌باشد.

۲- فراوانی مفاهیم در جهت مولفه‌هایی که مخالف

توسعه‌اند بالاست و مولفه‌های فرهنگی در مثل‌های فارسی

کتاب امثال و حکم دهخدا نشان از موانع توسعه هستند.

۳- رویکرد مثل‌های گفتاری همانند مثل‌های مکتوب

می‌باشد و انتظار می‌رود مثل‌های مکتوب و گفتاری حتی به

لحاظ فراوانی هم همسان باشند.

روش‌های مورد استفاده تحقیق

روش تحلیل محتوا^۳: روش مورد استفاده در این تحقیق

که شامل فیش‌برداری و رجوع به اسناد و مدارک مرتبط با

موضوع تحقیق می‌باشد، تحلیل محتوای کیفی است.

رویکردهای تحلیل محتوای کیفی: براساس نظریه شی‌یه و

شانون^۴ (۲۰۰۵) می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل

محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از:

۱- تحلیل محتوای عرفی و قراردادی؛ مقوله‌ها از داده‌ها

همزمان با تحلیل محتوای متن حاصل می‌شوند.

۲- تحلیل محتوای جهت‌دار؛ محقق طرح رمزگذاری

خود را پیش از اینکه تحلیل داده را آغاز کند، از طریق نظریه

موجود یا تحقیقات قبلی پایه‌ریزی می‌کند.

۳- تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی؛ پژوهشگر

به دنبال واژگان منفرد و در ارتباط با متنی ویژه است. این نوع

از تحلیل موجب هدایت محقق به تفسیر معنای اصلاحات

خاص یا محتوایی ویژه از لغات می‌شود (وبر، ۱۹۹۰).

از بین سه رویکرد نامبرده شده برای تحلیل محتوای

کیفی مناسب‌تر دانستیم تا از روش تحلیل محتوای جهت‌دار

در واقع، انتخاب آگاهانه جامعه مورد مطالعه توسط پژوهشگر است و پژوهشگر می‌کوشد به طور هدف‌دار بر مبنای این که چه نوع اطلاعاتی مورد نیاز است، نمونه‌ها را انتخاب کند (ازکیا و ایمانی جاجرمیف ۱۳۹۰)

با توجه به مطالعات و مشورت با اساتید متعدد متوجه شدیم که جامع‌ترین کتاب موجود در زمینه مثل‌های فارسی، کتاب امثال و حکم دهخدا می‌باشد و تاکنون کتابی با این تعداد از مثل نوشته نشده است. بنابراین با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، کتاب امثال و حکم دهخدا که به نوعی آینه تمام‌نمای مثل‌های فارسی است را به عنوان جامعه مورد مطالعه تحقیق برگزیدیم. در ادامه به توضیح ویژگی‌های این کتاب خواهیم پرداخت:

کتاب امثال و حکم کتاب قطور چهار جلدی به تالیف علی‌اکبر دهخدا است، که در سال ۱۳۱۰ در تهران منتشر شد. این مجموعه دارای نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم، کلمات قصار و ابیات متفرقه است. مطالب به ترتیب الفبا تنظیم یافته و ضرب‌المثل‌ها شرح و تفسیر شده است. این کتاب جامع‌ترین کتاب مثل‌های فارسی است و نمونه کاملی برای مطالعه مثل‌ها در قالب موضوع تحقیق می‌باشد. لازم به ذکر است ما قصد تحلیل تمام پنج هزار مثل کتاب دهخدا را نداشتیم، بلکه در صدد بودیم تا با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، مثل‌های مرتبط با موضوع تحقیق و مولفه‌های در ارتباط با پیشرفت را استخراج نموده و سپس تبیین نماییم.

در تکنیک مصاحبه نیز ۴۰ نفر مصاحبه شونده به روش هدفمند انتخاب شدند و سعی ما بر این بود که نمونه ما طیف گسترده‌ای از افراد جامعه با مشاغل گوناگون را در برگیرد. سعی ما انتخاب نمونه از قشری خاص نبود، چرا که تمام مردم جامعه معتقدان و مصرف‌کنندگان مثل‌ها هستند و در توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی جامعه‌شان نقش دارند. نمونه‌گیری تا آنجا پیش رفت که محقق به اشباع نظری رسید.

دستاوردهای روش تحلیل محتوا

از مطالعه پنجاه هزار مثل، کتاب امثال و حکم دهخدا با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تعداد ۲۵۱۰ مثل با

موضوع تحقیق در ارتباط بوده است. از این تعداد مفاهیم یافته شده در ۸۹۴ مثل همسو با توسعه بودند و ۱۶۱۶ مفهوم یافت شده در مثل‌ها غیرهمسو و مانع توسعه بوده‌اند. تعیین موافق یا مخالف توسعه بودن مثل‌ها از چارچوب مفهومی نشأت گرفت. مفاهیم مانع توسعه عبارتند از:

۱- **تقدیرگرایی:** یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی از نظر راجرز تقدیرگرایی است. اگر مردم یک جامعه بپندارند که سرنوشت‌شان از پیش تعیین شده است یا خداوند روزی افراد را می‌دهد و این روزی از پیش تعیین شده است و هر کسی سهم خود را از روزی خواهد گرفت، چرا باید رنج زحمت کشیدن را تحمل کنند؟ پس چه بهتر که بیهوده تلاش نکنند و آسوده منتظر دریافت سهم‌شان بمانند. از نگاه نگارنده این مثل‌ها نوعی کژفهمی و مصادره به مطلوب از آموزه‌های دینی است. ۳۵۹ مثل با این مضمون نوشته شده بود که نمونه‌های زیر شفاف‌تر این موضوع را نشان می‌دهند:

آن چه دلم خواست نه آن شد، آن چه خدا خواست همان شد. ص ۵۰ سعدی.

آن که هفت اقلیم عالم را نهاد، هرکسی را هرچه لایق بود داد. ص ۶۶ سعدی.

بکوشیم و از کوشش ما چه سود، کز آغاز بود آن چه بایست بود. ص ۴۵۲ فردوسی.

سزا به سزاوار رسد. ص ۹۷۱.

مقدر است نصیب از هزار جهد کنی، به هیچ وجه تغییر نمی‌شود مقدر. ص ۹۷۳ سلمان ساوجی.

هنر به کار نیاید چو بخت بد باشد. ص ۲۰۰۸.

هر آن‌کس که دندان دهد، نان دهد. ص ۱۹۰۴ سعدی.

۲- **مرگ:** یکی از عوامل دیگری که در روند رشد و توسعه حائز اهمیت است، امید انسان به آینده و دیدن نتایج زحمات خویش است. در کتاب دهخدا مثل‌های فراوانی توجه مخاطب به مقوله مرگ، کوتاهی عمر و جهان آخرت جلب می‌کند. اکثر این مثل‌ها قصد دارد بگوید تو که روزی خواهی مرد، چرا باید به خود رنج بدهی و وقت خود را برای کسب

از گلیم خویش پا بیرون نمی‌باید نهاد. ص ۱۴۵ مغربی.
فزونت رنج رسد چون به برتری کوشی. ص ۱۱۴۲
مسعود سعد.
لقمه بزرگ گلو را پاره می‌کند. ص ۱۳۶۷.
موری که پر برآرد، عمرش رسد به آخر. ص ۱۷۵۵.
آن چه اندر آینه بیند جوان، پیر اندر خشت بیند بیش از
آن. ص ۴۸.

جوانی نادانی است. ص ۵۹۱.
جز به تدبیر پیر کار مکن. ص ۵۸۲ سنائی.
۴- **زن‌ستیزی**: نوعی پدیده اجتماعی است که در آن زنان
مورد تبعیض یا تنفر واقع گردیده، یا غیرقابل اعتماد دانسته
می‌شوند. زن‌ستیزی در پیوند با خشونت علیه زنان است.
آدرین ریچ زن‌ستیزی را «دشمنی و خشونت سازمان‌یافته،
نهادینه شده و شکل عادی به‌خود گرفته علیه زنان» تعریف
می‌کند. (مگی‌هام، ۱۳۸۲)

اهمیت توجه به نقش زنان تا آن‌جاست که برنامه توسعه
سازمان ملل متحد، ایده توسعه پایدار انسانی را توسعه‌ای
مبتنی بر انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی که تولیدگران واقعی
رشد اقتصادی‌اند، تعریف می‌کند. این رشد اقتصادی بر
تقسیم عادلانه منافع، بازتولید محیط به جای تخریب آن و
توانمندسازی زنان به جای طرد و به حاشیه راندن آنها متمرکز
است (نوابخش، ۱۳۸۸).

نیمی از افراد هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، پس
زنان می‌توانند نصف نیروی تولید و توسعه باشند. زنان چه
شاغل باشند و چه در خانه مشغول پرورش نسل آتی باشند،
نقش انکارناپذیری در فرآیند توسعه بازی می‌کنند. حال اگر
جامعه‌ای با نسبت دادن الفاظ قبیح و ناشایست و یا اختصاص
دادن وظایف سطح پایین به زنان آنها را کوچک شمارد، عملاً
نیمی از نیروی محرکه توسعه فلج می‌شود و این فرهنگ غلط
نه تنها در همه ابعاد حیات اجتماعی مشکل‌ساز می‌شود، بلکه
مانعی قوی در برابر توسعه و پیشرفت جوامع است. حال
بپردازیم به چند نمونه از ۱۸۹ مثلی که زنان را تحقیر می‌کنند:

مال و ثروت هدر کنی؟ ۲۲۲ مثل به طور مستقیم یا
غیرمستقیم حاوی مفهوم مرگ بوده‌اند. به طور مثال:
آن عمر که مرگ باشد اندر پی آن، آن به که به خواب یا
به مستی گذرد. ص ۵۸ مجد همگر.
بالله اگر خاک مرده باز کنند، شناسی توانگر از درویش.
ص ۳۷۶ سعدی.

چنان کاملدی رفت خواهی تهی، تو گنج از پی گنج بانی
نهی؟ ص ۶۲۰ اسدی.
مرگ به فقیر و غنی نگاه نکند. ص ۱۵۳۲.
هنرمند با مردم بی‌هنر، به فرجام هم خاک دارد به سر.
ص ۲۰۰۹ فردوسی.

۳- **فقدان نوآوری**: یکی دیگر از عناصر خرده فرهنگ دهقانی،
فقدان نوآوری است که با شاخص‌های ریسک‌ناپذیری و
پیرسالاری شناخته می‌شود. مثل‌های حاوی مفهوم
ریسک‌ناپذیری، دعوت به سکوت، انفعال، انزوا و کناره‌گیری
مخاطب می‌کردند، ولی در مقابل مثل‌هایی در بر دارنده مضامین
مربوط به نوآوری، حق طلبی، شهامت و جرات برای مواجهه
با ظالم یافت نشد. پیرسالاری از آن جهت مانع توسعه است
که جوانان که به دلیل روحیه ریسک‌پذیری و افکار نوآورانه
یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه جوامع هستند
فرصت بروز استعدادهایشان را پیدا نمی‌کنند. در بسیاری از
جوامع پیشرفته با سفت و سخت گرفتن قوانین مربوط به
بازنشستگی و یا جذب جوانان نخبه سایر کشورها از طریق
برنامه‌های وسوسه انگیز مهاجرتی سعی در استفاده از دانش
و انرژی جوانان برای بهبود شرایط دارند. این در حالی است
که در کشور ما خیلی سخت جوانان را جایگزین می‌کنند و
گاهی افراد سالخورده‌ای که واقعا بازدهی در حوزه کاری
خود ندارند به شدت برای حفظ سمت خود مقاومت
می‌نمایند. تا جایی که بعضی از این افراد دارای چندین سمت
و شغل‌های متعدد هستند، حتی اگر مثمر ثمر واقع نشوند.
این واقعه منجر به کناره‌گیری قشر تحصیل کرده و انزواطلبی
جوانان می‌شود. ۲۰۵ مثل در باب فقدان نوآوری یافت شد
که حاوی مثال‌های زیر است:

دارد که روزی حق افراد را خواهد ستاند و بدکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند. پس بهتر است مردم کاری انجام ندهند و منتظر باشند تا منجی موعودی بیاید و عدالت را برقرار کند. خرافه‌گرایی نیز یکی از عوامل توسعه نیافتگی محسوب می‌شود چرا که انسان‌ها را از تلاش باز می‌دارد، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کند و حق انتخاب و اختیار آنان را نادیده می‌گیرد. ۱۳۳ مثل مفاهیم خرافه‌گرایانه و انتظار کمک موجودات ماورایی برای احقاق حق داشته‌اند:

چراغ کسی تا صبح نمی‌سوزد. ص ۶۱۰.

چنان نماند و چنین هم نخواهد ماند. ص ۶۲۰ حافظ.

نسازد تو ناچار با او بساز، که روزی نشیب است و روزی فراز. ص ۱۸۱۱ فردوسی.

نماند به کس روز سختی و رنج، نه آسایش و شادمانی

و گنج. ص ۱۸۳۳ فردوسی.

هر سرازیری سر بالایی دارد. ص ۱۹۳۰.

هر غمی را شادی در پی است. ص ۱۹۳۲.

هر که خندید بیش، بیشتر گریست. ص ۱۹۵۵ سنائی.

۷- **دعوت به صبر و احتیاط بیش از حد:** در مطالعه مثل‌ها کم نبودند مثل‌هایی که سعی داشتند با استفاده از مفاهیم مثبتی هم‌چون صبر و شکیبایی مخاطب را از انجام تغییر و پیشرفت باز دارند و جسارت و روحیه ریسک‌پذیری وی را سرکوب کنند و به نوعی مخاطب را ارباب کرده و عقب نشانند. البته در مذمت شتابزدگی و عجز بودن در انجام کارها هم مثل‌هایی گفته شده بود، اما این مثل‌ها از آن بعد در روند توسعه دارای اهمیت‌اند که بیشتر بر یک جا نشستن، انفعال، ترس و احتیاط بیش از حد مخاطب تاکید داشتند. بعلاوه عدم توجه به اهمیت عنصر زمان که یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی است در قالب مفهوم صبر معنا پیدا می‌کند. ۹۰ مثل سفارش در عقب راندن و صبر داشتن مخاطب داشتند. به طور مثال:

آدم ترس سر سلامت به گور نمی‌برد. ص ۲۶.

آدم یکبار پایش به چاله می‌رود. ص ۲۹.

آن که را دختر است جای پسر، گرچه شاه‌ست هست بد اختر. ص ۶۲۷ سنائی.

چه خوش گفت شاه جهان کی قباد، که نفرین بد بر زن نیک باد. ص ۶۲۷ سعدی.

زنان را ستایی سگان را ستای، که یک سگ به از صد زن پارسای. ص ۹۱۹ فردوسی.

کسی دعا می‌کند زنش نمیرد که خواهر زن نداشته باشد. ص ۱۲۰۸.

مرگ زن هیچ کم از لذت دامادی نیست. ص ۱۵۳۲.

وفا از زن مخواه، از سگ وفاجوی. ص ۱۸۸۹ جامع التمثیل.

۵- **پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات:** یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی که مانع توسعه است، از نظر راجرز پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات افراد جامعه می‌باشد. شاخص این عنصر مفهوم قناعت است. تشویق به قناعت (به معنای منفی آن) و کم‌خواهی از آن جهت مانع توسعه می‌باشد که مخاطب را از هرگونه تلاش برای آینده در جهت کسب مال و تغییر شرایط نامطلوب باز می‌دارد. ۱۶۸ مثل در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت. به طور مثال: آب خواه و دست بشوی: یعنی به کم راضی باش. ص ۶ عمادی شهریاری.

آزادگان تهی دست‌ند. ص ۳۱ سعدی.

اگر نخوری همیشه داری. ص ۲۳۰.

عزت ز قناعت است و خواری ز طمع، با عزت خود بساز و خواری مطلب. ص ۱۰۹۹ جامع التمثیل.

قانع بنشین و هرچه داری بپسند. ص ۱۱۵۴ عنصری.

قناعت توانگر کند مرد را. ص ۱۱۶۷ سعدی.

هست زیر فلک گردنده، قانع آزاد و طامع بنده. ص ۱۹۸۰ جامی.

۶- **خرافه‌گرایی:** در مطالعه امثال و حکم دهخدا به مثل‌های فراوانی برخوردیم که سعی داشت در مقابل سختی‌ها مخاطب را آرام کند و به او تلقین کند که نه سختی‌های او پایدار است و نه خوشی‌های دیگران. در این دست مثل‌ها سعی گوینده بر آن است که بگوید یک عامل ماورایی وجود

هر کش هنر بیش، روزی کم است. ص ۱۹۴۳ امیرخسرو دهلوی.

هر که را مال هست همت نیست، هر که را همت است مال نماند. ص ۱۹۶۳ خاقانی.

۹- **وابستگی به قدرت دولت:** چنانچه از مطالعه تاریخ برمی‌آید، جامعه ایران همواره جامعه استبداد طلب و دیکتاتورپروری بوده است. چرا که منجی پروری در فرهنگ ما همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است. ما یاد گرفته‌ایم در عوض اینکه با تلاش به مقاصد خود برسیم، منتظر باشیم تا منجی پیدا شود و ما را به مقاصدمان برساند. به همین دلیل در تمام طول تاریخ همواره متکی به قدرت حکام بوده‌ایم، از آنها ترسیده‌ایم و نزدیکی به آنان را افتخار دانسته‌ایم. چرا که تصور می‌کردیم آنها دارای نیروهای خارق‌العاده‌ای هستند و حتی گاهی فکر می‌کردیم از طرف خداوند برگزیده و منصوب شده‌اند. از دیدگاه اورت راجرز، وابستگی به قدرت دولت یکی دیگر از مولفه‌های خرده فرهنگ دهقانی است. این وابستگی طی سالیان دراز در فرهنگ ما ریشه دوانده است. ۶۱ مثل در این زمینه پیدا شد که مثل‌های زیر به روشنی این موضوع را نشان می‌دهند:

با کدخدا بساز، دهر را بتاز. ص ۳۶۶.

جهان چون تن و شهریاران سرنده. ص ۵۹۷ فردوسی.
چو دستی نتانی گزیدن بیوس، که با غالبان چاره زرق است و لوس. ص ۶۴۶.

شاه خدای زمین است. ص ۱۰۰۸.

شاه خدای کوچک است. ص ۱۰۰۸.

مملکت آباد به سلطان شود. ص ۱۷۳۵ ادیب صابری.

۱۰- **تشویق به تنبلی و راحت‌طلبی:** در بسیاری مثل‌ها گوینده مخاطب را تشویق به خوشگذرانی و تنبلی می‌نماید. بدین منظور از مضامینی هم‌چون بی‌ارزش شمردن دنیا، ارزشمند دانستن فقر و درویشی و لذت بخشی یافتن چیز مفت استفاده شده است. مسلم است که اگر افراد یک جامعه به تن آسائی و کاهلی رو آورند، نباید از آن جامعه امید رشد و پیشرفت داشت. ۵۴ مثل در این مورد یافت شد:

آن جا که بود شکستگی‌ها، صبر است کلید بستگی‌ها.
ص ۴۷ امیر خسرو دهلوی.

شجاعت آدمی صبر است. ص ۱۰۲۰

قضا رفت و قلم بنوشت فرمان، تو را جز صبر کردن چیست درمان؟ ص ۱۱۶۱ ویس و رامین
کلید همه کارها صبر است. ص ۱۲۳۲.
یک صبر کن و هزار افسوس مخور. ص ۲۰۴۷ جامع التمثیل.

۸- **بی‌ارزش دانستن ثروت:** مال و ثروت از جمله دارائی‌های با ارزشی است که انسان را به کار و پیشرفت وامی‌دارد. بی‌ارزش دانستن ثروت اشتیاق مخاطب را برای بالا بردن تلاش و افزایش دارائی فروکش می‌کند. چرا که به وی تاکید می‌کند مال با خودش رنج می‌آورد، از طرفی از گفتن مزایای ثروت و دارائی اجتناب می‌ورزد و به نوعی سیاه‌نمایی از حال افراد ثروتمند می‌کند. اساس نظریه وبر در کتاب معروفش «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری»^۱ تاکید بر این مهم بود که آموزه‌های اخلاقی مذهب پروتستان نقشی فعال و نیرومند، در فرآیند اجتماعی ظهور سرمایه‌داری ایفا کرده است. مطابق با باور پیروان این مذهب، کسب ثروت از طرف خداوند پسندیده است و کسی که بیشتر تلاش کند به خداوند نزدیک‌تر است. اما بر عکس در فرهنگ ما اغلب شاهد مثل‌هایی هستیم که کسب ثروت را مغایر با عقل، دین، علم، هنر، همت و ... عنوان می‌نمایند. این مفاهیم می‌تواند افراد جامعه را نسبت به تلاش برای بدست آوردن ثروت دلسرد نماید. ۶۹ مثل در این زمینه یافت شد:

زر هر چه بیش، بلا بیش. ص ۹۰۶ امیرخسرو دهلوی.

هر که بامش بیش، برفش بیشتر. ص ۱۹۵۰.

هر که تهی کیسه‌تر، آسوده‌تر. ص ۱۹۵۴ نظامی.

هر که خری ندارد، غمی ندارد. ص ۱۹۵۵.

نگهبانی ملک و دولت بلاست، گدا پادشاه است و نامش گداست. ص ۱۸۳۱ سعدی.

آدمی را عقل می‌باید نه زر. ص ۲۸ جامع التمثیلو

دین و دنیا دو ضد یک‌دگرند. ص ۸۵۰ سنائی.

دوست داریم حرف خود را به کرسی بنشانیم و سایرین را وادار کنیم نظر ما را بپذیرند. ۱۶ مثل در این زمینه یافت شد که شاید ریشه این ضعف فرهنگی ما در مثل‌های زیر بهتر نمایان باشد:

آشپز که دوتا شد، آش یا شور است یا بی‌مزه. ص ۳۶.
 زیان کسی، سود دیگر کس است. ص ۶۲۶ اسدی.
 دو پادشاه در اقلیمی ننگنجد. ص ۸۳۱ سعدی.
 شیر نر تنها بود هر جا و خوکان جفت جفت. ص ۱۰۴۶.
 کسی که عزت عزلت نیافت، هیچ نیافت. ص ۱۲۱۷ سنائی.

همکار، همکار را نمی‌توان دید. ص ۱۹۹۳.

۱۳- محلی‌گرایی: یکی از مسائلی همواره یکپارچگی ایران را تهدید می‌کند، استقلال‌طلبی اقوام می‌باشد. علی‌رغم تلاش‌های فراوان در طول تاریخ برای تبدیل اقوام ایران به یک ملت واحد، هم‌چنان ناتوان مانده‌ایم. شرح چرایی این موضوع در این مقاله نمی‌گنجد اما شاید عده‌ای با ساختن جوک‌های قومیتی و یا نسبت دادن یک ویژگی قبیح به یک قوم یا مذهب خاص سعی در دامن زدن به این مساله باشند که البته بعضی دیگر هم کورکورانه این مطالب را تکرار می‌کنند. از دیدگاه راجرز هم محلی‌گرایی، به عنوان یکی از ویژگی‌های خرده فرهنگ روستایی، می‌تواند یکی از مصادیق توسعه‌نیافتگی باشد. واضح است جامعه‌ای که مردمانش مرتب در حال افترا زدن به یکدیگر باشند نه تنها پیشرفت نمی‌کند، بلکه همواره به عقب رانده می‌شود. ۷ مثل در باب محلی‌گرایی و قومیت ستیزی مطالعه شد:

لر بازار نرود، بازار می‌گنجد: یعنی ساده لوح است. ص ۱۳۶۴.

لر به شهر نیاید که می‌گویند یاغی است. ص ۱۳۶۴.

مثل وهابی‌ها: پرخور، رباینده. ص ۱۴۹۸.

مثل هندو: دزد، ترسو. ص ۱۴۹۹.

مگر از روستا آمده؟ یعنی بسی نادان و ابله است. ص ۱۷۲۴.

۱۷۲۴.

مگر ترکی؟ یعنی چرا قانع نمی‌شوی؟ ص ۱۷۲۵.

آب نطیلبده مراد است. ص ۱۴.
 آسایش این جهان در غفلت است، هوشیاری این جهان را آفت است. ص ۱۷۲ مولوی.

اگر چند بفرزاید از رنج گنج، همه گنج گیتی نیارزد به رنج. ص ۲۰۳ فردوسی.

چنان به که امشب تماشا کنیم، چو فردا شود فکر فردا کنیم. ص ۶۵۱ نظامی.

سرکه مفت شیرین‌تر از عسل است. ص ۹۶۷.

نیست بی‌رنج راحت دنیا، خنک آن کس که کرد هردو رها. ص ۱۲۳۷ سنائی.

مال مفت از عسل شیرین‌تر است. ص ۱۳۹۲.

۱۱- عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به خاطر منافع آتی:

در حال زندگی کردن و فکر آینده نبودن یکی از مضامینی است که می‌تواند مانع پیشرفت باشد، چرا که مانع تلاش انسان برای بهبود شرایط خویش می‌شود. از نظر راجرز عدم چشم‌پوشی از منافع آتی بخاطر منافع آتی یکی دیگر از عناصر خرده فرهنگ دهقانی است. در این مثل‌ها به مخاطب سفارش می‌شود که از حال خود لذت ببر، هر چه داری بخور و به آینده فکر نکن. ولی در مقابل کمتر اشاره شده بود که فکر فردایت را بکن و برای آینده و شرایط بهتر کسب ثروت بنما. از ۴۳ مثل یافت شده، چند مثال در زیر آورده شده است: بخور هر چه داری منه باز پس، تو رنجی چرا باز ماند به کس؟ ص ۳۹۷ فردوسی.

هر که مال نخورد پشیمانی خورد. ص ۱۹۶۷.

همی خورد باید کسی را که هست. ص ۲۰۰۵ فردوسی.

۱۲- فقدان همدلی: نداشتن همدلی و تلاش برای هدف

مشترک در جامعه یکی دیگر از عناصر خرده فرهنگ دهقانی است. پر واضح است که هیچ جامعه‌ای بدون همکاری اعضای آن پیشرفت نخواهد کرد. چون بسیاری از کارها به تنهایی پیش نمی‌رود و همکاری اعضا را می‌طلبد. این روحیه عدم همکاری در ما ایرانی‌ها وجود دارد. تا جایی که حتی بعضی استدلال می‌کنند ما در انجام ورزش‌های گروهی به اندازه ورزش‌های انفرادی موفق نیستیم. چرا که همواره

- ۴- مذمت تنبلی و ترس از تغییر: یکی از موانع توسعه عادت کردن افراد جامعه به تن آسایی و ترس از ریسک و تغییر است. در این نوع مثل‌ها که تعدادشان ۹۹ تا است، گوینده سعی دارد فرد تنبل و یا ترسو را گاه با زبان استهزا و گاه با زبان طنز مورد کنایه قرار دهد:
- از سستی آدمیزاد گرگ آدمی خوار پیدا می‌شود. ص ۱۳۴.
 خر خفته جو نمی‌خورد. ص ۷۲۶.
 درخت کاهلی بارش گرسنگی ست. ص ۷۸۵-جامع التمثیل.
 نان خود از بازوی مردم مخواه. ص ۱۷۹۰ پروین.
- ۵- نوآوری و عمل‌گرایی: اگر افراد جامعه‌ای صرفاً مقلد الگوهای پیشین خود باشند و هیچ‌گونه ابتکار عمل و نوآوری در کار خود نداشته باشند مسلماً آن جامعه پیشرفت نخواهد کرد. ۷۷ مثل در زمینه دعوت به نوآوری و عمل‌گرایی یافت شد:
- دو صد گفته چون نیم کردار نیست. ص ۸۳۰ فردوسی.
 عسل‌گویی دهان شیرین نگردد. ص ۱۱۰۱.
 علم با کار سودمند بود، علم بیکار پای‌بند بود. ص ۱۱۱۰ سنائی.
 علم هر چه بیشتر خوانی، چون عمل در تو نیست نادانی. ص ۱۱۱۴ سعدی.
- ۶- اهمیت زمان: از نظر اورت راجرز یکی از ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی، عدم توجه به اهمیت زمان است. در جوامع توسعه یافته‌ای هم‌چون ژاپن وقت‌شناسی یکی از فاکتورهای بسیار مهم در انجام کارهاست. اما در کشورهای توسعه نیافته زمان اهمیت چندانی برای حاکمان و اعضای جامعه ندارد. به طور مثال دولت ایران ساعت‌ها وقت مردم را در صف‌های طولانی تلف می‌کند و یا در ملاقات‌های کاری خیلی کم پیش می‌آید افراد به موقع حاضر شوند، حتی گاهی می‌گویند هر چه دیرتر برویم ارج و قربمان بیشتر است. ۴۴ مثل در این زمینه یافت شد:
- کار امروز به فردا افکندن از کاهلی تن است. ص ۱۱۷۱ ابوالفضل بیهقی.
 بی عوض دانی چه باشد در جهان، عمر باشد عمر قدر آن بدان. ص ۱۹۱۹.
- وقت را غنیمت دان. ص ۱۸۹۱.
- ۷- مذمت فقر و تنگدستی: یکی از مولفه‌هایی که مانع از تلاش افراد برای تغییر شرایط خود می‌کند، عادی‌سازی فقر است یا به قول راجرز پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات در جامعه. در اینجا نمونه مثل‌هایی از ۴۲ مثل یافت شده را ذکر می‌کنیم که سعی دارند فقر را غیر عادی جلوه دهند و آرزوها و تمایلات جامعه را بالا ببرند تا مخاطب را در جهت تلاش تحریک نمایند:
- آدم گرسنه ایمان ندارد. ص ۲۵.
 با تنگدستان نشستن، عمر ضایع کردن است. ص ۳۴۷ گج.
 دست تهی، روی سیاه. ص ۸۰۷.
 فقیر در جهنم نشسته است. ص ۱۱۴۶.
 نبض تهیدست بگیرد طیب، درد فقیران همه جا بی‌دواست. ص ۱۷۹۸ پروین.
- ۸- ارزشمندی مال و ثروت: انسان در زندگی همواره برای بدست آوردن چیزی تلاش می‌کند که آن چیز برایش ارزشمند باشد. در مطالعه کتاب دهخدا مثل‌هایی یافت شد که سعی داشت به ارزش ثروت و دارایی انسان تاکید کند، تا مخاطب را برای کسب و یا افزایش دارایی‌اش تشویق نماید. ۳۶ مثل بر ارزش ثروت تاکید دارد:
- جوئی زر بهتر از پنجاه من زور. ص ۵۹۲ سعدی.
 سیر خوردن، به از به گرسنگی زیستن. ص ۱۰۰۱ شاهد صادق.
 غنا فاضل‌تر از فقر است، چون غنا صفت باری تعالی است. ص ۱۱۳۰ ابوسعید مهنه.
 یار تو خرجین توست و کیسه ات. ص ۲۰۲۸ مولوی.
- ۹- سفر: این مفهوم در تضاد با مفهوم محلی‌گرایی راجرز قرار می‌گیرد. یکی از عواملی که انسان را در جهت پیشرفت ترغیب می‌کند، سفر کردن است. جامعه‌ای که با سایر جوامع ارتباط داشته باشد و مزوری نباشد، پویاتر است. سفر کردن حتی می‌تواند روابط افراد، اقوام و یا کشورها را بهبود بخشد و آنها را باهم متحد کند. در این زمینه ۱۲ مثل یافت شد:
- بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی. ص ۴۴۰ سعدی.

مشترک انسان‌ها را برای نیل به پیشرفت سوق می‌دهد. ۹ مثل حاوی مفهوم همدلی یافت شد که در ادامه ذکر می‌شوند:
یک دست صدا ندارد. ص ۲۰۴۲.
مورچگان را چو بود اتفاق، شیر ژیان را بدراند پوست. ص ۱۷۵۴ سعدی.
آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت. ص ۳۰ حافظ.

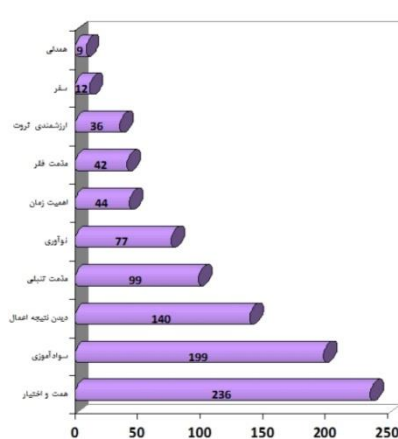
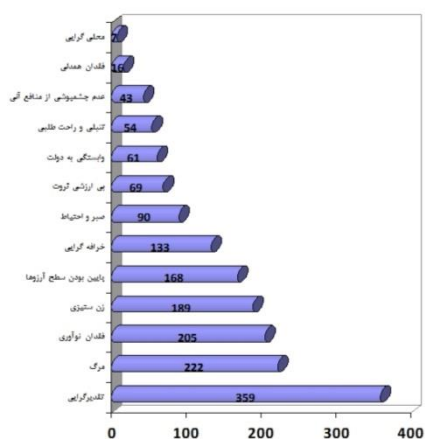
سفر مربی مرد است. ص ۹۷۴ انوری.
۱۰- همدلی: یکی از مهم‌ترین عناصری که باعث موفقیت گروه‌ها می‌شود، همدلی و همکاری است. خیلی از کارها به تنهایی ممکن نیست از جمله توسعه یافتگی جوامع. همکاری و همدلی اعضای یک جامعه در جهت منافع



شکل ۲- مقوله‌های توسعه‌گرا

چارت ۱: مقایسه فراوانی مفاهیم مانع توسعه و توسعه‌گرا

شکل زیر نمایانگر فراوانی مثل‌های حاوی مفاهیم مانع توسعه و توسعه‌گراست:



جامع از عقاید ۴۰ نفر از کسانی که امروزه شنوندگان و گویندگان مثل‌ها هستند، ترسیم کنیم. نمونه را از افرادی انتخاب کردیم که آگاهی خوبی نسبت به مثل‌ها داشته باشند و حداقل‌امکان متعلق به یک طبقه خاص نباشند. از آنجایی که عموم مردم جامعه استفاده‌کننده اصلی مثل‌ها هستند، حفظ

دستاوردهای روش مطالعه میدانی

مثل‌های کتاب امثال و حکم دهخدا متعلق به حدود ۹۰ سال پیش است. برای این که بفهمیم این مثل‌ها هنوز هم در باور مردمان جامعه جای دارند یا خیر؛ ناگزیر به انجام کار میدانی شدیم. در این بخش قصد ما بر این است تا تصویری

تنوع در نمونه‌گیری برایمان اهمیت داشت و کار تا جایی پیش رفت که محقق به اشیاع نظری رسید. در مجموع مصاحبه با ۴۰ نفر ۲۷۶ مثل مرتبط با موضوع، بدست آمد که به طور میانگین هر نفر حدود ۷ مثل عنوان کرده است که از این تعداد ۶۴ مورد مربوط به مثل‌های تقویت‌کننده توسعه و ۲۱۲ مورد مربوط به مثل‌های مانع توسعه می‌باشد. مثل‌های مانع توسعه حاوی این مفاهیم بودند: (فقدان نوآوری ۵۴ مورد، زن‌ستیزی ۴۴ مورد، بی‌ارزش دانستن ثروت ۲۲ مورد، خرافه‌گرایی ۲۰، تقدیرگرایی ۲۰، تشویق به تبلی ۱۲، دعوت بیش از حد به صبر ۱۰، پایین بودن سطح آرزوها ۸، فقدان همدلی ۸، مرگ ۶، وابستگی به قدرت دولت ۴، محلی‌گرایی ۴) و مثل‌های تقویت‌کننده توسعه: (همت و اختیار ۳۶، دیدن نتیجه عمل خود ۸، مذمت تبلی ۸، مذمت فقر و تنگدستی ۶، ارزشمندی مال و ثروت ۴، نوآوری و عمل‌گرایی ۲)

در طول مصاحبه از مشارکت کنندگان خواستیم نظر خود را در ارتباط با موضوع تحقیق بیان کنند و بگویند که آیا از نظر آنها مثل‌ها به عنوان یکی از عوامل فرهنگی می‌تواند در عملکرد افراد جامعه به سوی پیشرفت و یا سکون تاثیر داشته باشد یا خیر؟ و سپس از آنها درخواست کردیم، مثل‌های مرتبطی را که اخیراً شنیده‌اند یا استفاده کرده‌اند به یاد بیاورند. ۳۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر نقش مثل‌ها در توسعه‌نیافتگی ایران اتفاق نظر داشتند و ۸ نفر نقش مثل‌ها را در توسعه‌نیافتگی بی‌ربط دانستند. در ادامه خلاصه‌ای از نظرات افرادی که موافق نقش داشتن نقش مثل‌ها در فرآیند توسعه بودند، خواهیم آورد:

به طور مثال زهر، ۳۷ ساله، دکتر جامعه‌شناس به وجود مثل‌هایی برای دعوت به قناعت، صبر و زن‌ستیزی اشاره کرد: "اصلاً ممکن نیست که مثل‌ها به عنوان یکی از عوامل فرهنگی در توسعه نقش نداشته باشند. برای اثبات این مطلب می‌توانیم نگاهی به مثل‌های کشورهای توسعه یافته بی‌اندازیم تا بفهمیم آنها چه فرهنگی برای نسل‌های آینده خود تولید می‌کنند و ما چه فرهنگی تولید کرده‌ایم. وقتی که ما مرتب مثل‌هایی با مضامین واپس‌گرایانه را تکرار می‌کنیم، چطور می‌توانیم توقع

داشته باشیم که به سمت جلو حرکت کنیم؟ به مفهوم این مثل‌ها فکر کنید: ۱- عزت ز قناعت است و خواری ز طمع، با عزت خود بساز و خواری مطلب. ۲- زن خوب فرمانبر پارسا، کند مرد درویش را پادشاه. ۳- گر صبر کنی زغوره حلوا سازی. مثل اول دعوت به قناعت می‌کند و بی‌نیازی از مال دنیا، مثل دوم زن را در حکم برده‌ای در نظر می‌گیرد که هر چه رام‌تر و مطیع‌تر باشد شوهرش را موفق‌تر می‌کند و مثل سوم دعوت به صبر و رخوت می‌نماید. تکرار مکرر این گونه مثل‌هاست که مانع پیشرفت افراد و جامعه ما می‌باشد."

فاطمه، ۶۰ ساله، معلم، لیسانس، تاکید بر قومیت ستیز بودن برخی مثل‌ها داشت:

"مثل‌ها نقش انکارناپذیری در فرهنگ هر جامعه دارند، مثل‌ها می‌توانند به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مانع پیشرفت جوامع شوند. از نظر من ما مثل‌های زیادی را در زندگی روزمره می‌شنویم که حاوی مفاهیم قومیت‌ستیزی هستند. شاید همین موضوع بر عدم اتحاد ما تاثیرگذار باشد. وقتی هر قومی یا مردم هر شهری به سایر اقوام و شهروندان برچسب می‌زند معلوم است که جامعه مدنی در ایران شکل نخواهد گرفت. وی مثل‌هایی نظیر، لر نره بازار بازار می‌گنده و نه قم خوبه نه کاشون لعنت به هر دو تاشون را مثال زد."

وحید، ۳۰ ساله، لیسانس مکانیک به مثل‌های حاوی مفهوم راحت طلبی اشاره کرد:

"مثل‌ها تاثیر بسزایی در عقب افتادگی افراد جامعه دارد. ما هر روزه مثل‌های متعددی را می‌شنویم که افراد را به سمت تبلی و راحت طلبی سوق می‌دهند. واضح‌تر بگویم، من خودم مستاجر هستم و همیشه این مثل را به من می‌گویند که، اجاره‌نشین خوش نشین است و یا خدا خودش روزی‌رسان است، شنیدن همین مثل‌ها رویکرد من و امثال من را شکل می‌دهد. همین موضوع باعث شد من فکر کنم اجاره‌نشینی برایم یک امتیاز محسوب می‌شود و هرگز برای کسب درآمد بیشتر و خرید خانه تلاش نکردم چرا که فکر می‌کردم روزی من پیش خداوند محفوظ است."

برای ما حکم درس عبرت را دارند. بنابراین سعی می‌کنیم آنها در زندگی خود لحاظ کنیم. اما از نظر من همه مثل‌ها بار فرهنگی مثبتی ندارند. بعضی مثل‌ها باعث پیشرفت می‌شوند و بعضی باعث توقف. اما کم نیست تعداد مثل‌هایی که افراد جامعه را به رخوت و تنبلی تشویق می‌کند. به طور مثال: مثلی که می‌گوید هر که بامش بیش برفش بیشتر و یا آسوده کسی که خر ندارد از گاه و جوئش خبر ندارد. نمونه بارز تشویق به تنبلی است. اگر همه افراد جامعه این گونه بیاندیشند، هیچ‌کس پیشرفت نخواهد کرد و در نتیجه جامعه هم به توسعه دست نمی‌یابد."

معصومه، ۴۷ ساله، دیپلم، به جنبه مثبت مثل‌ها اشاره کرد و گفت مثل‌ها نقش محرک توسعه را بازی می‌کنند:

"نقش مثل‌ها فرهنگ سازی در جامعه است. من مثل‌های زیادی را هر روز به کار می‌برم که به سعی و تلاش و داشتن پشتکار دعوت می‌کند. اگر همه افراد جامعه به این جنبه مثل‌ها توجه کنند، همین فرهنگ سازی می‌تواند منجر به توسعه جامعه شود. به طور مثال می‌توانم از مثل‌های زیر نام ببرم: گرت پایداری است در کارها/شود سهل پیش تو دشوارها. ز دانش در بی‌نیازی بجوی. بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش. این قبیل مثل‌ها می‌تواند افراد و به دنبال آن جامعه را به سمت پیشرفت سوق دهد."

نتیجه‌گیری

چنانچه از عقاید افراد جامعه و مثل‌های جمع‌آوری شده به دو روش تحلیل محتوای کیفی و مطالعه میدانی مشخص است، از تعداد پنجاه هزار مثل جمع‌آوری شده در کتاب دهخدا ۲۵۱۰ مثل حاوی مفاهیم توسعه‌ای بودند که از این تعداد ۸۹۴ مثل (۳۵٪) حاوی مفاهیم همسو با توسعه و ۱۶۱۶ مثل (۶۵٪) حاوی مفاهیم غیرهمسو با توسعه بودند. بعلاوه، روش مطالعه میدانی حاکی از آن است که از ۲۷۶ مثل حاوی مفاهیم توسعه‌ای، ۶۴ مثل (۲۳٪) حاوی مفاهیم همسو با توسعه و ۲۱۲ مثل (۷۷٪) حاوی مفاهیم غیرهمسو با توسعه بودند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت جامعه ما چه در گذشته و چه امروز

نداره، ۵۰ ساله، لیسانس روان‌شناسی بالینی، به جنبه دعوت به سکوت و ظلم‌پذیری مثل‌ها اشاره کرد، او گفت:

"مثل‌ها جنبه آموزشی برای افراد جامعه دارند و این انکارناپذیر است که مثل‌ها می‌توانند تقویت‌کننده و یا مانع توسعه باشند. به طور خاص من مثل‌های زیادی را می‌شنوم که دعوت به سکوت و پذیرش ستم می‌کنند. این موضوع در سرکوب زنان و یا اقلیت‌های معترض مشهود است. شاید تاثیر مثل‌ها باشد که ما هرگز حق خود را نمی‌شناسیم و همواره سعی می‌کنیم با چاپلوسی و رابطه‌گرایی کار خود را پیش ببریم. علاوه بر این ما زنان همواره چه در حوزه خانوادگی و چه در حوزه روابط کاری دچار مشکل هستیم و همیشه سعی می‌کنیم خود را طوری نشان دهیم که خوشایند مردان باشد. چون استقلال و حق‌طلبی را به ما یاد نداده‌اند. مثلاً مثلی که می‌گوید خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو و یا زن را چه این کارها؟ و یا زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد، همه در جهت سرکوب افراد جامعه است."

مینا، ۲۸ ساله، فوق لیسانس برق، مثل‌های حاوی مفهوم زن‌ستیزی را مورد توجه قرار داد:

"مثل‌ها در سرنوشت هر جامعه‌ای نقش دارند. چرا که می‌توانند فرهنگ‌سازی مثبت یا منفی داشته باشند. مثل‌ها آینه تمام‌نمای جامعه هستند و نشان‌دهنده خرد جمعی مردمان آن جامعه می‌باشند. مثلاً زن‌ستیزی در مثل‌های ما خیلی مشهود است، شاید به همین دلیل باشد که زنان جامعه ما به جایگاه واقعی خود دست نمی‌یابند. حتی گاهی چندزنی در جامعه تبلیغ می‌شود. به طور مثال مثلی را مکرر می‌شنوم که، خواهر زن نان زیر کباب است و یا زن را چه به این کارها؟!، تکرار این مثل‌ها عزت نفس زنان را پایین می‌آورد و مانع همکاری دو جنس در جامعه می‌شود. چرا که مردان همیشه به زنان به دیده تحقیر و ابزارگونه می‌نگرند."

مصطفی، ۳۰ ساله، لیسانس عمران، مدیر عامل به جنبه ترویج تنبلی در مثل‌ها اشاره کرد:

"مثل‌ها حکایات پندآموزی هستند که معمولاً از تجربیات زندگی گذشتگان نشأت می‌گیرند، این حکایات

(چنانچه از ضرب‌المثل‌های آن به عنوان یکی از مولفه‌های فرهنگی هویداست) روی خوشی نسبت به توسعه نشان نداده است و نیز همان‌طور که فراوانی مثل‌ها نشان می‌دهد، اختلاف چشم‌گیری بین مثل‌های همسو و مانع توسعه وجود دارد که جای بسی تأمل است. هم‌چنین مثل‌هایی که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، به لحاظ مفاهیم و محتوا تفاوت چندانی با مثل‌های مطالعه شده در کتاب امثال و حکم دهخدا ندارند. تنها تفاوتشان در محاوره‌ای شدن صورت مثل‌ها در زبان گفتاری است و اینکه مثل‌های مانع توسعه بیشتر در ذهن مصاحبه شونده‌گان جا خوش کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که پس از گذشت نزدیک به یک قرن از تاریخ جمع‌آوری کتاب امثال و حکم توسط علی‌اکبر دهخدا، این مثل‌ها هنوز بین مردم رواج دارند و به عبارت دیگر، مردم هنوز به این مثل‌ها باور دارند و در مکالمات روزمره خود از آنها استفاده می‌کنند. هم‌چنین نشان دهنده این مطلب است که رویکرد مثل‌های مکتوب و مثل‌های گفتاری به پدیده توسعه در یک راستا قرار دارند.

با توجه به اطلاعات آورده شده در طول این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که اگر بخواهیم جامعه‌ای توسعه یافته و مترقی داشته باشیم، باید فکری اساسی به حال فرهنگ عمومی جامعه به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار توسعه بکنیم. در شرایط کنونی که رشد و پیشرفت در جوامع توسعه یافته طوری برق‌آسا است که هر روز خبری تازه از کشفیات و اختراعات آنان پخش می‌شود، مردم جامعه ما هنوز دل به سرنوشت معین شده‌شان دوخته‌اند و دنبال بهترین دعانویس می‌گردند تا شاید بخت‌شان عوض شود. از جامعه‌ای که اکثر مثل‌هایش درباره تقدیرگرایی، زن‌ستیزی، مرگ، قناعت، صبر، خرافه‌گرایی و پیرسالاری است و این مثل‌ها روزانه چندین بار تکرار می‌شوند و در کتاب‌های درسی و رسانه‌ها به نسل بعد نیز انتقال می‌یابند، نمی‌توان امید توسعه داشت. بنابراین به برنامه‌ریزان فرهنگی توصیه می‌شود راهکارهایی متناسب با بهبود وضع موجود اتخاذ گردد.

- **راهکارهای راهبردی:** مهم‌ترین راهکارهایی که با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و فرضیات محقق شده در

این رساله را می‌توان در موارد زیر طرح نمود:
 ۱- تقویت رویکرد نوآوری، خطر کردن و ریسک‌پذیری از طریق فرایند جامعه‌پذیری به افراد جامعه و ارزش‌گذاری بر افرادی که دارای چنین خصیصه‌ای هستند.

۲- ایجاد انگیزه پیشرفت، میل به تغییر و تحول مثبت در زندگی روزمره از طریق رسانه‌ها.

۳- تأکید بر منافع جمعی و تقویت رویکرد ناسیونالیستی، حس وطن‌دوستی و برابری اقوام از طریق رسانه‌ها، آموزش و پرورش و سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی دولت.

۴- ایجاد ویروس پیشرفت، انگیزه موفقیت و ارتقا سطح آرزوها و اهداف کودکان از طریق برنامه‌های کودک و داستان‌ها در رسانه‌ها و کتاب‌های درسی.

۵- اشاعه عقل‌گرایی و جلوگیری از نشر خرافات در جامعه از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی.

۶- تعبیه راه‌های منطقی برای دستیابی به موفقیت برای آحاد جامعه به صورت برابر.

۷- ترویج باور به ارزشمندی هر دو جنس خصوصاً زن و تلاش در جهت زدودن فرهنگ زن‌ستیزی.

- **راهکارهای کاربردی:** این راهکارها نیز ملهم از راهکارهای راهبردی می‌تواند تاثیرگذار واقع شود:

۱- شناسایی و معرفی افراد موفق و نوآور در حوزه‌های مختلف ورزشی، هنری، علمی، فرهنگی، اقتصادی و ... از طریق برگزاری مسابقات، همایش‌ها و رسانه‌های اجتماعی.

۲- ساختن سریال‌هایی با این محتوا که افراد سخت‌کوش همواره موفق‌تر از سایرین هستند، بالا بردن سطح اهداف و خواسته‌های مردم جامعه از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی.

۳- با توجه به روحیه فردگرایی در ما ایرانی‌ها و هم‌چنین تکتک‌ر قومی، ضرورت ایجاد همگرایی و وحدت اقوام اجتناب‌ناپذیر است. در این میان رسانه‌های می‌توانند تنوع قومی را بیشتر در تلویزیون نشان دهند. چنانچه تحقیقات نشان می‌دهند، اکثر برنامه تلویزیون مربوط به طبقه متوسط شهری است. توسعه موزون و رسیدگی به اقوام به شکل عادلانه نیز می‌تواند این قومیت‌ستیزی را تعدیل نماید. به

سریع القلم، محمود (۱۳۷۶). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، چاپ سوم، تهران: انتشارات سفیر.

سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران: مجموعه مقاله‌ها و نظرها، تهران: نشر جامعه پژوهان سینا.

سیف‌اللهی، سیف‌اله (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران: زمینه‌ها، موانع و تنگناها، تهران: نشر جامعه پژوهان سینا.

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: نشر زریاب.

مگی هام (۱۳۸۲). مدخل زن‌سنجی، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی، فرخ قره‌داغی، تهران: نشر توسعه.

نوابخش، مهرداد (۱۳۸۸). مبانی پایدار توسعه شهری، جلد اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Berg, A, Welander Hansson, U (2000). Dementia care nurses' experiences of systematic clinical group supervision and supervised planned nursing care, Journal of Nursing Management.

Durkheim, Émile (1976). The Elementary Forms of the Religious Life.

Eisenstadt, S.N (1985). Macro Sociological Theory; ISA.

Giddens, Anthony (2006). Sociology (Fifth Edition). Cambridge: Polity.

Lichtman Marilyn (2006). Qualitative Research in Education: A User's Guide; SAGE Publications (CA).

Marcuse, Herbert (1955). second edition, Eros and Civilization: A Philosophical Inquiry into Freud.

Marshal K, Rassman GB (1998). Qualitative research method. Translated by Ali Parsaeian and Mohammad Arabi. 1st edition, Cultural research bureau: Tehran, [Persian].

Patton, M.Q (1990). Qualitative Evaluation and Research Methods (2nd ed) Newbury Park, CA: Sage.

Ritzer, George (1992). Contemporary Sociological Theory; 3th edition, McGraw-Hill.

علاوه ایجاد راهکارهای تنبیهی برای افرادی که به سایر اقوام توهین می‌کنند و یا جوک‌های قومیتی می‌سازند نیز می‌تواند روند وحدت و وفاق ملی را تسریع کند.

۴- تقویت مبانی ذهنی کودکان و نوجوانان، از طریق نشریات کودک و نوجوان و همچنین کتاب‌های درسی‌شان و یا برنامه‌های کودک در تلویزیون که بتوانند ایستارهای میل به پیشرفت، تلاش و بلندپروازی را به نسل آینده منتقل نماید. در این راستا صدا و سیما، آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بالاخره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توانند موثر و مفید واقع شوند.

۵- جلوگیری از اشاعه خرافه و شایعاتی بی‌بنیان و ساختگی که باورهای دینی و تاریخی مردم را مخدوش می‌سازد. این امر می‌تواند با اجتناب از تکرار ضرب‌المثل‌های خرافه‌گرایانه، جلوگیری از نشر خرافات در رسانه‌ها و فضای مجازی و یا مجالس عزاداری تحقق پذیرد. همچنین باید روشی تنبیهی برای افرادی که از راه خرافات کسب ثروت می‌نمایند اتخاذ شود.

۶- جلوگیری از تمرکز قدرت و تسهیل راه‌های دستیابی به فرصت‌ها و سمت‌های بالای شغلی (به طور مشروع و برابر) برای همه آحاد جامعه. این امر منجر به شایسته‌سالاری، تنوع فرهنگی و کاهش ناراضی‌تبی در جامعه می‌شود.

۷- یادآوری جایگاه رفیع زنان در جامعه می‌تواند از طریق رسانه‌های فرهنگی، کمک به احقاق حقوق زنان در جامعه، برابری فرصت‌های شغلی در مقایسه با مردان، برابری دستمزد با مردان در مشاغل همسان، تاکید بر جنبه مادری زنان و پرورش نسل آتی، معرفی زنان موفق در رسانه‌های گروهی و طراحی زنان قهرمان در داستان‌های کودکان محقق شود.

منابع

ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۱). امثال و حکم، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Weber, R.P (1990). Basic Content Analysis, CA: Sage, Beverly Hills.

Rogers, Everett (1969). Modernization among peasants: The impact of communication. Rinehart & Winston.

یادداشت‌ها

¹ Everett Rogers

² Theory of peasant subculture

³ Content Analysis

⁴ Hsieh and Shannon

⁵ Conventional Content Analysis

¹ Directed Content Analysis

² Summative Content Analysis

³ Field Research Method

⁴ Interview

⁵ The protestant Ethic And The Sprite Of Capitalism